

کردها و مهمترین تنبولات تاریخ معاصر ایران

(از قاجار تا پهلوی، جنگ جهانی دوم)

مؤلف: دکتر نادر پروین

پیش گفتار

اندیشه جمع آوری این کتاب مربوط به سال‌های گذشته است و از آن زمان تاکنون یکی از مشغولیات ذهنی نویسنده بوده است. برای نگارش کتاب حدود چهار سال وقت گذاشته شد. نگارنده در این مدت با مشکلات عدیده‌ای مواجه شد. ناملایمتها دید، زجرها کشید اما با استعانت به خدای متعال هیچگاه خستگی را به تن راه نداد و اکنون بعد از گذشت چهار سال مجموعه حاضر آماده، در دست مخاطبان قرار گرفته است. بنا بر قول دکتر حسین آبادیان، سخن گفتن در رُهی تاریخ ایران و بازسازی حوادث و وقایع سیاسی این مرز و بوم، امری است سهل و ممتنع؛ سهل از آن روی که هر فردی، با اتکا بر منابع و مآخذ موجود، می‌تواند امیدوار باشد که گوشه‌ای از تحولات گذشته‌ی ایران را دریابد و ممتنع از آن نظر که پرداختن به تاریخ ایران مستلزم اشراف بر عرصه‌ی خنثی‌ترین خصایص فرهنگی و احاطه بر مبانی تاریخ اجتماعی این سرزمین است و در اوضاع تاریخی کنونی که هر محقق با پیشداوریهای خاص خود که مبتنی بر نظریات و زمینه‌های فکری ویژه‌ای است، با اتکاء به آنها حوادث را ارزیابی می‌کند، این مهم بیشتر خود را می‌نمایاند. رویکرد مارکسیست و تخریش به دخالت دادن مبانی و ارزشهای لیبرال دمکراسی غرب برای تبیین تحولات ایران، بالاخص حوادث دوره معاصر، امری شناخته شده است. بر این سیاق بسیاری از محققان ابتدا با پذیرش مبانی مورد علاقه‌ی خود، تلاش دارند آن را بر حوزه تاریخ تحولات اجتماعی ایران تعمیم دهند. به سخن دیگر مفروضات از پیش تعیین شده‌ی خود را بر تحولات این مملکت بار کنند. بر آن تردید هر انسانی مختار است به گونه‌ای بیندیشد که خود می‌پسندد، لیکن نباید اصرار داشت که مانند تئوری خور را به حوادث تاریخی تحمیل کرد، زیرا نتایج این کار به چیزی جز تفاسیر غریب از تاریخ ایران منجر نخواهد شد. در حقیقت لازم است هر محقق سلیقه‌ها و علاقه‌های خاص فکری و سیاسی خود را به کناری نهد تا بر «باطن» تحولات این سامان وقوف یابد و عناصر و مؤلفه‌های جهت دهنده‌ی حوادث را در پرتو هویت فرهنگی مورد قبول مردم در هر مقطع تاریخی مورد ارزیابی قرار دهد و در همین جاست که مشکلات خود را می‌نمایاند. حادثه تاریخی باید به گونه‌ای مورد بازسازی قرار گیرد که گویا وقایع با انسان سخن می‌گویند و تبیین تحولات باید به گونه‌ای انجام پذیرد که خواننده خود را در متن حادثه احساس کند، برای این منظور پیش از هر چیز، محقق می‌بایست خود را در فضای حادثه‌ی تاریخی قرار دهد و با آن قرابت روحی و ذهنی پیدا کند و

در طول کار خود را جزئی از بازیگران و یا تماشاگران حادثه محسوب کند، تنها در این صورت است که پدیده‌ی تاریخی، معنی پیدا می‌کند و راز و رمز تحولات بر ملا می‌شود. «معنی یافتن» حادثه‌ی تاریخی مستلزم وقوف هر چند نسبی بر باطن حوادث و بنیادهای تحولات است و این خود مستلزم احاطه بر اندیشه سیاسی خاص در هر مقطع تاریخی می‌باشد که آن نیز رهین دریافت عمده‌ترین خصایص مردم و کیفیت ساز و سلوک آنها با یکدیگر و قبل از همه‌ی اینها قرار گرفتن در فضای ذهنی ویژه‌ی هر دوره‌ی تاریخی است. در این راستا بدون توجه به میراث فکری مردم در ادوار گذشته و کیفیت استمرار آن در برهه‌های خاص بعدی، به هیچ وجه نمی‌توان قدی از قدم دیگر برداشت و اهمیت مسئله آنجا خود را نشان می‌دهد که محقق ناگزیر شود راز استمرار فرهنگ ایرانیان را دریابد و از باطن تحولات پرده بر گیرد، زیرا در این صورت است که امکان پرداختن به آفاق سیرو سلوک معنوی و دریافت حیات رمز آلود در پرتو کشف بنیادهای باطنی آن بر محقق تاریخ آشکار می‌شود. هر حادثه تاریخی، ظاهری و باطنی دارد. ظاهر حوادث همان داستان جنگ و ستیزها، کشور گشایی‌ها، قیامها، شورشها، انقلابها و در یک کلام سطوح در معرض دید و فهم همه کس است. حال آنکه باطن هر حادثه و فهم درست آن در گرو گذر از لایه‌های ظاهری تحولات و رسوخ به اعماق آن است که خود در پرتو شناخت فلسفی از تاریخ ممکن و محسوس است و شناخت فلسفی در پرده‌برداری از عمده‌ترین شاخص‌های فرهنگی مردم این سرزمین، در حیطه‌ی دیانت، سیاست، هنر و معماری، ادبیات و جهان‌بینی امکان‌پذیر است. به سخن دیگر، برای دریافت فلسفه‌ی تحولات اجتماعی در تاریخ ایران باید با «روح اسلامی ایرانی» مردم سنخیت قرار پیدا کرد و پیش از همه از نظر فرهنگی و دینی خویشتن را ایرانی و مسلمان «احساس» کرد. امکان تبیین تحولات وجود داشته باشد. از این جهت باید با سخن استاد ابراهیم یونس متمدن و مؤلف کرد همراه شد که معتقد است «تاریخ هر قومی را مردم خود آن قوم باید بنویسند؛ دیگران هر چند هم پاکدل بوده و با حسن نیت و گشاده نظری به کار پرداخته باشند باز اغلب به علل و جهات مختلف مانند مشکلات زبانی، عدم دسترسی گسترده به آگاهان محلی، تضییقات امنیتی یا تنگ فرصتی و دیگر موانع و مشکلات، چه بسا با دشواری روبرو شوند و ناخواسته مرتکب اشتباه گردند. گذشته از همه این حرفها فرق است بین کسی یا کسانی که وقایع را خود مستقیماً تجربه کرده و در محیط وقایع زیسته یا خود آنها را در همان محیط از کسانی شنیده‌اند که خود مستقیماً تجربه کرده‌اند. فرق است بین کسی که در ترکیه امروز «بریده زبانی» و بی‌هویتی و بردگی فرهنگی

را مستقیماً تجربه می‌کند با چون منی که در کشورم نشسته‌ام و به زبان مادری‌ام سخن می‌گویم و می‌نویسم». نمونه عینی این قضاوتها، قضاوت غیر مغرضانه اما بدون شناخت مورخ ایرانی مؤلف کتاب بحران مشروطیت در ایران می‌باشد؛ وی در صفحه ۴۰۱ کتاب، یارمحمد خان کرمانشاهی را از عناصر تروریست کرمانشاه و همدست سالار الدوله می‌داند. در حالی که با واشکافی متون بیشتر و دسترسی به منابع محلی و گسترده شدن ابعاد قضاوت نگارنده، معلوم شد قضیه صورت و باطنی کاملاً متفاوت دارد. به‌طور کلی این قضاوت‌های ساده‌انگارانه در تمام ابعاد تاریخ سیاسی و اجتماعی کردها و در بین خیلی از مورخین غیر محلی وجود دارد. هدف از انتخاب موضع کتاب تلاشی هر چند کوچک و ناچیز در راستای روشن ساختن ابهامات و تناقضاتی است که در آثار مورخان و پژوهشگران تاریخ کردهای ایران به چشم می‌خورد. در نگارش و تدوین تاریخ کردها دو گروه بیش از دیگران فعال بوده‌اند: مورخان غربی و ناسیونالیستهای کرد و بین آن دو گروه دوم تا حد زیادی متأثر از آراء و عقاید گروه نخست بوده‌اند بنابر این روی سخن ما در اینجا آنها خواهد بود. این دسته از مورخان بدون توجه به زمینه‌های تاریخی و فرهنگی، همه را ناطق کرد نشین خاورمیانه را با یک دید می‌نگرند و نسخه‌ای که برای حل مشکلات نواحی خاورمیانه می‌پسند به دلیل عدم توجه به پیشینه تاریخی و فرهنگی کردهای ایران و رابطه آن با سایر هموطنان ایرانی، همواره به بن بست رسیده و فاقد اصالت می‌باشد. این مورخان نخست از تقسیم کردستان میان ایران و عثمانی و بعد تملک آن بوسیله چهار کشور عراق، سوریه، ترکیه و ایران سخن به میان می‌آورند. گویی کردستان واحد سیاسی مستقلی با وجوه و مشخصات متمایز از بزرگ‌های دیگر اقوام ایران بوده است. بدین ترتیب تحقیقات آنان با این پیش فرض تا حد زیادی به نظر می‌رسد. همچنین آنان بین نگرشهای سیاسی و اجتماعی کردهای شیعه و سنی تفاوت چندانی قائل نیستند. چون در مورد کردستان و کرمانشاه باید یک اصل مهم را پذیرفت و آن اینکه این سرزمین‌ها بافتی یکپارچه نداشتند و از دو بخش شمالی و جنوبی تشکیل می‌شد؛ کردستان شمالی از دیر باز مرکز عشایر و کردهای سنی مذهب و کردستان جنوبی یعنی کرمانشاه گرچه عشایر مهمی نیز داشت اما جایگاه شهرنشینان و کشاورزان شیعه مذهب بود. با تمام این احوال جامعه کردستان علی‌رغم ناهمگونی جمعیت به دلیل پیوندهای اقتصادی، فرهنگی و نژادی با سایر مردم ایران تا دوره رضاشاه همچنان به ناسیونالیسم ایرانی وفادار بود. چون در حالی که در سده نوزدهم، حکومت عثمانی شاهد شورش‌های مداوم کردهای تابعه خود بود در ایران و در

زمان قاجاریه به استثنای شورش شیخ عبداللّه که شورشی فاقد جنبه‌های ملی گرایي کردی بود، جامعه کردستان در آرامش به سر می‌برد. مطمئناً جامعه کرد ایران و دولت و جامعه ایران و یژگیها و خصائصی داشتند که با تکیه بر آنها روابط و پیوندهای سالم و مطمئنی میان کرد و فارس بوجود می‌آمد و این چیزی بود که دولت و جامعه ترک فاقد آن بودند. همه این مؤلفه‌ها از دید پژوهشگران غربی به دور مانده است. به همین جهت کتاب حاضر تلاشی است برای یافتن پاسخی مناسب به عمده‌ترین سؤالات و خصائص جامعه کرد ایران که از دید مورخین غربی مجهول مانده است: مردم کرد در دوره قاجاریه چه وضعیتی داشته و چه دیدگاهی نسبت به دولت قاجاریه داشتند؟ برآستی فلسفه مخالفت و یا حمایت مردم کرمانشاه و کردستان از مشروطیت چه بود؟ آیا مردم مطالب‌رهایی از حکومت قاجار و تأسیس نظامی دموکراتیک بودند؟ آیا کردها از مشروطیت رای دست یابی به ملیت گرایي قومی استفاده نمودند؟ علل واقعی مهاجرت ملیون و دموکرها و آذرخه‌ها به کرمانشاه در دوره جنگ جهانی اول چه بود؟ علل شکل‌گیری دولت موقت ملی و فرمان آن چه بود؟ آیا کردها در دفاع از ایران در جنگ جهانی اول نقشی داشتند؟ کردها در دوره رضاشاه در چه وضعیتی به سر می‌بردند؟ انگیزه واقعی رضاشاه در برابر کردها چه بود؟ علل و زمینه‌های داخلی و خارجی شکل‌گیری قیام‌های شیخ عبداللّه، سمکو و قاضی محمد چه بود؟ کتاب حاضر نیز می‌کوشد سیاست و عملکرد بیگانگان در قبال کردهای ایران را نیز مورد مذاقه قرار دهد. به علاوه کتاب نه تنها وقایع مربوط به کردستان را به صورت اخص بررسی کرده بلکه رابطه تاریخی مرکزی وقت را با جامعه و سردمداران کرد و بالعکس، نیز کاویده است. از این لحاظ کتاب تنها تاریخ معاصر کرد نیست بلکه به نوعی تاریخ معاصر ایران نیز هست. کتاب حاضر دو بعد را مورد توجه قرار داده است: نخست نقل حوادث و دوم تحلیل و تبیین و تفسیر واقعات تاریخی مربوط به حوادث. تحلیل حوادث مبتنی برروایات تاریخی معتبر است و داوریه‌های انجام گرفته، در راستای نقد دیدگاه‌های معارض ارائه شده‌اند. امید است که محققان و جوانان علاقه‌مند بامطالعه این دفتر انگیزه‌های لازم را برای ادامه و تکمیل مطالعات رویدادهای دوره‌های مختلف پیدا نمایند و نقائص این مختصر را بر طرف سازند.

نادر پروین

۱۳۹۶/۶/۱

- الف- مبانی نظری ----- ۱۱
- ب- بررسی اجمالی منابع ----- ۱۳
- ج- پیشینه تاریخی، فرهنگی کردها ----- ۱۶

فصل اول- کردها در تأسیس قاجاریه تا دوره مشروطه

- ۱- کردها و قاجاریه ----- ۲۰
- ۲- شورش شیخ عبیدالله در دوره ناصرالدین شاه و نقش انگلستان ----- ۲۵

فصل دوم: کردها در دوره مشروطیت

- بخش اول: نقش و سهم کرمانشاه و کردستان در مشروطیت ----- ۴۰
- بخش دوم: شورش سالارالدوله و نقش ایل کلهر ----- ۵۹
- الف- وجه تسمیه و زیستگاه ایل کلهر ----- ۵۹
- ب- تاریخ مختصر ایل کلهر ----- ۶۰
- ج- اکبرخان سیاه سیاه ----- ۶۲
- د- شورش سالارالدوله و نقش داوود خان کلهر ----- ۶۶

فصل سوم- کردها در جنگ جهانی اول

- ۱- پیش زمینه ----- ۷۰
- ۲- اوضاع ایران در آستانه جنگ جهانی اول ----- ۷۱
- ۳- متفقین و نقض بی طرفی ایران ----- ۷۳
- ۴- مجلس سوم و سیاستهای احزاب مختلف در جنگ جهانی اول ----- ۷۴

- ۵- سیاست آلمان در ایران در جنگ جهانی اول و علل گرایش عشایر کرد به آن کشور- ۷۶
- ۶- علل مهاجرت ملیون به قم- ۸۰
- ۷- دلایل مهاجرت آزادیخواهان به کرمانشاه- ۸۴
- ۸- علت تشکیل دولت موقت در کرمانشاه- ۸۹
- ۹- عوامل فروپاشی دولت مهاجر (ملی) کرمانشاه- ۹۱

فصل چهارم- شورش سمکو و استعمار انگلستان

- الف- سمکو و دسیسه سازی انگلستان- ۱۰۲

فصل پنجم- کردها در دوره رضاشاه

- ۱- تمرکزگرایی در مناطق کرد نشین- ۱۱۴
- ۲- اسکان اجباری کردها- ۱۲۴
- ۳- قیام روحانیت اهل سنت بر ضد رضاشاه- ۱۲۹
- ۴- ستم سازمان یافته بر ضد کردها- ۱۳۳

فصل ششم- جنبش مهاباد در جنگ جهانی دوم

- بخش اول: زمینه‌های شکل‌گیری جنبش- ۱۴۰
- الف- تبلیغات حزب توده در مورد شوراهای استانی- ۱۴۰
- ب- رقابت روسیه و انگلیس در ایران- ۱۴۲
- ج- مشکلات و ناکامی رژیم پهلوی در عرصه سیاست داخلی- ۱۴۴
- بخش دوم: ماهیت جنبش- ۱۴۶
- الف- آغاز جنبش- ۱۴۶
- ب- شکست و سقوط جمهوری مهاباد- ۱۵۲